یادداشت

پزشکیان؛ فصل دوم

ادامه از صفحه اول

پیش از برنامه، گفتمان: ایران امروز در دوران پساجنگ با چنین وضعیتی روبه‌روست. جنگ فقط زیرساخت و اقتصاد را تغییر نمی‌دهد؛ اولویت‌ها، احساس امنیت، نسبت سیاست خارجی با زندگی روزمره و حتی تصور جامعه از آینده را نیز جابه‌جا می‌کند. دوران پساجنگ فقط زمانِ بعد از جنگ نیست؛ زمانی است که مسئله‌های پیشین با معنایی تازه بازمی‌گردند. در چنین شرایطی، شاید نباید کار فصل دوم دولت را به‌طور مستقیم با فهرستی تازه از برنامه‌ها آغاز کرد. پیش از برنامه، پیش از سیاست و حتی پیش از اقدام، دولت به گفتمان نیاز دارد. گفتمان باید پاسخ دهد: کجا ایستاده‌ایم؟ مسئله اصلی چیست؟ و قرار است به کجا برویم؟ اما گفتمان برای آنکه از سطح اسناد و سخنرانی‌ها عبور کند و در ذهن جامعه بماند، به صورت فشرده‌ای از معنا نیاز دارد؛ به یک «کلمه». گفتمان دستگاه معناست و کلمه صورت فشرده و قابل حمل آن. ابتدا باید وضعیت را فهمید، برای آن معنا ساخت، آن معنا را در یک کلمه فشرده کرد و سپس از راهبرد، سیاست و اقدام سخن گفت. این به معنای جایگزین‌کردن تبلیغات با سیاست نیست. تورم با واژه پایین نمی‌آید و ناترازی انرژی با روایت حل نمی‌شود؛ اما سیاست درست، اگر درست فهمیده نشود، ممکن است پیش از اجرا بخشی از سرمایه اجتماعی لازم برای موفقیت خود را از دست بدهد. کلمه جای سیاست را نمی‌گیرد؛ به سیاست امکان فهمیده‌شدن می‌دهد. رابرت انتمن در نظریه قاب‌بندی نشان داده است که شیوه صورت‌بندی یک موضوع می‌تواند تعیین کند چه چیزی مسئله دیده شود و چه راه‌حلی طبیعی‌تر به نظر برسد. جورج لیکاف و مارک جانسون نیز در کتاب «استعاره‌هایی که با آنها زندگی می‌کنیم» نشان دادند استعاره فقط آرایه زبانی نیست؛ ما جهان را تا حدی از طریق همین استعاره‌ها می‌فهمیم. اگر یک دوره را «زخم» ببینیم، ترمیم برجسته می‌شود؛ اگر «بازسازی» ببینیم، ساختن دوباره در مرکز قرار می‌گیرد.

وقتی یک کلمه سیاست را می‌سازد: برگزیت نمونه روشن قدرت نام‌گذاری است. مسئله‌ای پیچیده شامل مهاجرت، تجارت، مرزها و حاکمیت ملی در سه کلمه خلاصه شد: Take Back Control؛ کنترل را پس بگیریم. سه سال بعد، وقتی جامعه بریتانیا از بلاتکلیفی خسته شده بود، بوریس جانسون عبارت دیگری را محور قرار داد: Get Brexit Done؛ برگزیت را تمام کنیم. یک بار مسئله «کنترل» بود و بار دیگر «تمام‌کردن». کلمه موفق، زیباترین واژه نیست؛ واژه‌ای است که مردم احساس کنند مسئله اصلی امروزشان را درست نامیده است. عکس آن نیز صادق است. شعار «Defund the Police» در آمریکا برای بخشی از حامیانش معنایی محدودتر از برداشتی داشت که مخالفان از آن ساختند. یک نام نامناسب می‌تواند معنای یک سیاست را علیه خود همان سیاست تغییر دهد. از همین‌جا یک اصل مهم حکمرانی به دست می‌آید: هر سیاست دست‌کم دو طراحی دارد؛ طراحی اجرائی و طراحی معنایی. طراحی اجرائی می‌پرسد چه باید کرد؟ و طراحی معنایی می‌پرسد مردم آنچه را انجام می‌دهیم، چگونه خواهند فهمید؟ در سیاست، خلأ معنایی وجود ندارد. اگر دولت سیاست خود را تعریف نکند، دیگری آن را تعریف خواهد کرد.

از وفاق تا نتیجه: دولت پزشکیان از آغاز یک کلمه مرکزی داشت: «وفاق». وفاق پاسخی بود به مسئله‌ای واقعی؛ اینکه در شرایط شکاف و بی‌اعتمادی، چگونه می‌توان امکان همکاری و تصمیم مشترک را افزایش داد. این معنا امروز حتی مهم‌تر شده است. چه در جنگ و چه در صلح، چه در موافقت با یک تفاهم و چه در مخالفت با آن، مسئله اصلی توان کشور برای رسیدن به حداقلی از تصمیم مشترک درباره مسائل ملی است. وفاق یعنی نه حذف اختلاف، بلکه امکان تصمیم با وجود اختلاف. اما فصل دوم دولت با پرسشی متفاوت روبه‌روست. در آغاز، سؤال این بود که چگونه نیروهای متفاوت را کنار هم قرار دهیم؟ حالا سؤال این است: این کنار هم قرارگرفتن قرار است چه چیزی را حل کند؟ دو سال نخست می‌تواند زمان ساختن ائتلاف باشد؛ دو سال دوم باید زمان ساختن نتیجه باشد. ارزش وفاق نه به تعداد کسانی است که کنار هم نشسته‌اند، بلکه به مسئله‌ای است که توانسته‌اند با هم حل کنند. در دوران پساجنگ، دولت باید بداند با چه کلمه‌ای فصل تازه را تعریف می‌کند: بازسازی؟ ثبات؟ احیا؟ نتیجه؟ با این حال، «نتیجه» شاید یکی از جدی‌ترین نامزدها برای منطق فصل دوم باشد؛ نه لزوما به‌عنوان شعار، بلکه به‌عنوان معیار اداره دولت. اگر نتیجه معیار باشد، هر تصمیم با یک پرسش سنجیده می‌شود: حاصل آن برای زندگی مردم چیست؟ هر وزارتخانه باید بتواند بگوید تا پایان این دوره کدام مسئله را واقعا حل خواهد کرد و دولت باید پاسخ دهد دی‌نفعان و ذی‌ربطان و آحاد مردم در پایان این چهار سال چه تغییر ملموسی را به نام آن خواهند شناخت؟ پزشکیان دولتش را با «وفاق» آغاز کرد. آزمون فصل دوم این است که آیا می‌تواند به آن کلمه، نتیجه بدهد. دولت‌ها با کلمه آغاز می‌شوند، اما با نتیجه به یاد می‌مانند.

هشداری جدی درباره افراطی‌گری

ادامه از صفحه اول

در میانه این چالش، گروهی از معتمدین و شخصیت‌های موجه، مردمی و اثرگذار تکابی با نوشتن نامه به دولت و شخصیت‌های ملی، درخواست کردند برای رهایی تکاب از این مخمصه، این منطقه به بیجار گروس ضمیمه شود و اگر به هر دلیلی پیوستن به بیجار گروس شدنی نیست، پیشنهاد شده تا تکاب در آن سوی گروس به همدان ضمیمه شود تا از گزند محلی‌گرایی رهایی یابد. گفته شد در هفته گذشته در تکاب مراسمی برگزار شد و مسئولان امر با نادیده‌گرفتن این ویژگی اجتماعی و فرهنگی شهرستان، اقدام به برگزاری مراسمی فرهنگی کردند و به قول مسئولان از ترک‌زبانان اقصی‌نقاط کشور برای این جشن دعوت شده بود. جدا از محتواهای پان‌ترکیستی و حتی جعل برخی مضامین فرهنگی در این مراسم که جداگانه باید نقد شود، غیبت بخش بزرگی از شهروندان تکابی در ساختار چنین برنامه‌هایی و فقدان توجه به مشترکات ملی و ایرانی مردمان همه جای ایران، به اذهان چه چیزی را منتقل می‌کند؟ آیا در استان آذربایجان غربی دست‌هایی به عمد در کار هستند تا فضای همدلی این استان را تحت تأثیر رویکردهای واگرایانه به سمت تنش، نقار، شکاف و درگیری سوق دهند؟ در گذشته بارها در همین‌جا، راقم این سطور به مسئولان کشوری هشدار داده که مراقب شرایط پیچیده آذربایجان غربی باشند و اجازه ندهند اداره این استان گرفتار افراطی‌گری قومی شود. تاکنون گوش شنوایی پیدا نشده تا با اعزام یک هیئت بلندپایه کارشناسی، به بررسی ابعاد و جزئیات این پدیده بپردازد. روزی جلوگیری از فارسی سخن‌گفتن در شورای ارومیه، روزی دیگر ماجرای مجسمه حیکم توس، فردوسی بزرگ در سلماس و دیگر روز برگزاری نوروز ۱۴۰۴ با هزار اما و اگر. جالب است همه اینها هم توسط نهادهای مسئول صورت گرفته است. در شرایط جنگی و التهاب پیش‌روی کشور که ترامپ به‌روشنی استفاده ابزاری از مباحث قومی را پیش کشیده و دنبال پیاده‌نظام می‌گردد، آیا چنین رویدادهایی در استان آذربایجان غربی تصادفی است یا نشانه ناتوانی مدیریت فرهنگی استان؟

با وجود تداوم تنش در خلیج فارس، قیمت نفت خام به کانال ۸۰ دلار برگشت

خطای تحلیلی نفت ۲۰۰ دلاری

مریم شکرانی: قیمت نفت در هفته گذشته بیش از پنج درصد کاهش داشت و به حدود ۸۸ دلار رسید. همچنین قراردادهای آتی نفت برنت روز پنجشنبه هفته گذشته حدود ۸۸ دلار برای بشکه معامله شدند. این عدد در مسیر ثبت بزرگ‌ترین افت هفتگی خود از اواخر ژوئن یعنی از زمان اعلام آتش‌بس موقت جنگ ایران و آمریکاست. کاهش قیمت نفت در شرایطی رخ می‌دهد که برخی تحلیلگران صداوسیما پیش‌بینی کرده بودند که با تداوم این وضعیت، قیمت نفت به ۲۰۰ دلار می‌رسد.

نفت ۲۰۰ دلاری؛ از ادعا تا واقعیت

«نفت ۲۰۰ دلاری» ادعایی بود که بارها تحلیلگران صداوسیما بر زبان آوردند؛ فواد ایزدی در برنامه‌ای در صداوسیما مدعی شد: «اگر ما ۲۰ درصد نفت دنیا را بیرون بیاوریم، نفت به ۲۰۰ دلار می‌رسد و اقتصاد دنیا نابود می‌شود». او تأکید کرد: «ما بمب اتم نداریم، تنگه هرمز را داریم که اگر آن را محکم بگیریم، می‌شود بمب اتم». داوود منظور، استاد دانشگاه امام صادق، دیگر تحلیلگری بود که مدعی ۲۰۰ دلاری‌شدن نفت شده و گفته بود: «انرژی دیگر برای ما صرفا یک کالا نیست و به ابزار امنیت کشور تبدیل شده و اهمیت ژئوپلیتیک پیدا کرده است». مهرداد بذرپاش، وزیر سابق راه و شهرسازی نیز یکی دیگر از افرادی بود که مدام بر ۱۵۰دلاری‌شدن و کمیاب‌شدن نفت تأکید می‌کرد و حتی مدعی شده بود این موضوع ظرف چهار هفته محقق می‌شود. علی‌اکبر رائفی‌پور، امیرحسین ثابتی، حسینعلی حاجی‌دلیگانی و... هم بارها به ۲۰۰دلاری‌شدن قیمت نفت اشاره کردند. این تحلیل در صداوسیما آن‌قدر داغ شد که حتی مجریان این رسانه هم با ادعای ۲۰۰دلاری‌شدن نفت بارها خبرساز شدند. با این حال و برخلاف پیش‌بینی این تحلیلگران، قیمت نفت به ۲۰۰ دلار نرسید و در حال حاضر بهای نفت افت هفتگی بیش از پنج‌درصدی را به ثبت رسانده است. قیمت نفت در پایان معاملات هفته گذشته به ۸۸ دلار و ۱۰ سنت رسید و نفت وست تگزاس اینترمدیت با ۱۳ سنت کاهش، به ۸۳ دلار و ۴۰ سنت رسید. قیمت نفت برنت در مجموع هفته پیش، بیش از پنج درصد و وست تگزاس بیش از چهار درصد کاهش داشتند.

گلدمن ساکس: حجم نفت عبوری تنگه هرمز افزایش داشت

در همین زمینه گلدمن ساکس، مؤسسه خدمات مالی و بانکداری و یکی از بزرگ‌ترین بانک‌های سرمایه‌گذاری جهان، اعلام کرد حجم نفتی که از تنگه هرمز عبور می‌کند، به دوسوم پیش از جنگ ایران و آمریکا بازگشته است.

بلومبرگ هم گزارش داده است که براساس برآورد معامله‌گران نفتی که در فعالیت‌های مربوط به محموله‌های نفتی مشارکت دارند و آنها را رصد می‌کنند، اکنون روزانه حدود شش تا هشت میلیون بشکه نفت خام از طریق تنگه هرمز حمل می‌شود. تحلیلگران گلدمن ساکس می‌گویند یکی از عواملی که به تداوم افزایش حجم محموله‌های نفتی کمک کرده، درآمدهای بی‌سابقه در تاریخ بازار نفتکش‌های غول‌پیکر است که انگیزه بیشتری را برای مالکان کشتی‌ها جهت عبور از تنگه هرمز ایجاد می‌کند. در این گزارش توضیح داده می‌شود که نفتکش‌ها بشکه‌های نفت را تا نقطه‌ای در خارج از خلیج فارس حمل می‌کنند و پس از رسیدن این کشتی‌های شاتل به نقاط خارج از خلیج فارس، محموله‌هایشان توسط نفتکش‌های دیگری تحویل گرفته می‌شود؛ نفتکش‌هایی که تمایلی برای عبور از تنگه ندارند. پیش از این سی‌ان‌ان نوشته بود که با کمک نیروی دریایی آمریکا، شرکت‌های نفتی عربستان سعودی، کویت، قطر و امارات، نفتکش‌هایی را اجاره کرده‌اند که فرستنده‌های خود را خاموش می‌کنند و نفت را از خلیج فارس، از طریق تنگه هرمز، به دریای عمان منتقل می‌کنند. آنجا نفت خام خود را به نفتکش‌های منتظر متعلق به مشتریانشان تحویل می‌دهند و سپس دوباره از تنگه هرمز بازمی‌گردند. این رسانه تأکید کرده بود که این کار، بار پرهزینه ریسک بیمه‌ای و خطر فیزیکی حملات ایران را از دوش شرکت‌های کشتیرانی تجاری برداشته و آن را بر دوش دولت آمریکا و خود تولیدکنندگان نفت گذاشته است.

کریدور اضطراری نفت و چند نکته

در همین شرایط، برخی گزارش‌ها حاکی از آن است که آمریکا به کمک عمان یک گذرگاه اضطراری و کریدور جنوبی در تنگه هرمز و آب‌های ساحلی عمان ایجاد کرده است و نفتکش‌ها با زمان‌بندی مشخص و اسکورت نظامی آمریکا از این گذرگاه عبور می‌کنند. در همین زمینه، خبرآنلاین در یک مقاله تحلیلی نوشته است: «کریدور جنوبی هرمز را می‌توان نمونه‌ای از انتقال قدرت از «کنترل سرزمین» به «کنترل جریان» دانست. در نظریه قدرت دریایی، گلوگاه‌های دریایی صرفا به دلیل موقعیت جغرافیایی خود اهمیت ندارند؛ اهمیت آنها در این است که یک بازیگر می‌تواند از طریق آنها جریان کالا، انرژی و ارتباطات را تحت تأثیر قرار دهد». این رسانه در ادامه تأکید می‌کند: «تحولات اخیر تنگه هرمز نشان می‌دهد که رقابت ایران و آمریکا از مرحله تهدید به بستن آبراه و نمایش قدرت دریایی عبور کرده و وارد مرحله پیچیده‌تری شده است؛ مرحله‌ای که در آن مسئله اصلی دیگر فقط «باز یا بسته بودن» تنگه نیست، بلکه پرسش اساسی این است که چه کسی می‌تواند جریان واقعی کشتی‌ها، نفت و کالا را در این آبراه مدیریت کند؟ آنچه آمریکا در هفته‌های اخیر در بخش جنوبی تنگه هرمز ایجاد کرده، از همین منظر باید فراتر از یک عملیات معمول اسکورت دریایی تحلیل شود». خبرآنلاین در ادامه تأکید می‌کند: «در هفته‌های اخیر داده‌های کشتیرانی نشان داده‌اند که تردد در تنگه همچنان بسیار پایین‌تر از سطح عادی است. در برخی روزهای اخیر، تنها چند کشتی تجاری از تنگه عبور کرده‌اند؛ هرچند بخشی از شناورها با خاموش‌کردن سامانه‌های شناسایی خود، در داده‌های عمومی قابل مشاهده نیستند. بنابراین، اگرچه در ادبیات سیاسی از «بازشدن هرمز» یا «کنترل هرمز» سخن گفته می‌شود، واقعیت عملی بسیار پیچیده‌تر است. آمریکا هنوز نتوانسته تنگه را به وضعیت عادی پیش از جنگ بازگرداند و ایران نیز نتوانسته عبور و مرور را به‌طور مطلق متوقف کند. آنچه شکل گرفته، نوعی وضعیت میانی است که در آن عبور کشتی‌ها در مسیرهای مشخص، با احتیاط شدید و در مواردی تحت پوشش و هماهنگی نظامی صورت می‌گیرد». این رسانه در ادامه توضیح می‌دهد: «ایران در تنگه هرمز قادر به ایجاد اختلال است و آمریکا قادر به کاهش بخشی از اثر آن است. در نتیجه، وضعیت کنونی را بهتر است «موازنه شکننده دریا» نامید. هیچ طرفی به‌طور کامل پیروز نشده است. ایران نتوانسته جریان انرژی را به طور کامل متوقف کند و آمریکا نیز نتوانسته تردد را به سطح عادی پیش از جنگ بازگرداند. این موازنه شکننده احتمالا تا زمانی ادامه خواهد یافت که یکی از سه تحول رخ دهد: پایان یا کاهش جدی جنگ، توافقی درباره مدیریت تنگه، یا تغییر اساسی در توانایی یکی از طرفین برای تهدید مسیرهای دریایی».

نقش اوکراین و چین در کاهش قیمت نفت

با تمام این تفاسیر، هم‌اکنون ادعای ۲۰۰دلاری‌شدن قیمت نفت به وقوع نپیوسته و بهای نفت با وجود ادامه محاصره دریایی ایران، انسداد تنگه هرمز و تشدید تحریم نفت ایران، روند کاهشی در پیش گرفته است. بلومبرگ به نقل از جورجیو ساکلاریو، تحلیلگر حمل‌ونقل دریایی در شرکت سیگنال که در زمینه کشتیرانی و تحلیل داده‌ها فعالیت می‌کند، نوشته است: «به نظر می‌رسد در چند روز گذشته نفت بیشتری از تنگه هرمز خارج شده است». او در ادامه گفت: «اگر این روند پایدار بماند، قیمت نفت خام پایین خواهد ماند؛ هرچند اخیرا این موضوع همچنان به معنای قیمتی نزدیک به ۸۵ دلار برای هر بشکه بوده است». براساس گزارش بلومبرگ، قراردادهای آتی نفت برنت روز پنجشنبه حدود ۸۸ دلار در هر بشکه معامله شدند و در مسیر ثبت بزرگ‌ترین افت هفتگی خود از اواخر ژوئن قرار گرفتند؛ از زمانی که آتش‌بس موقت میان ایران و آمریکا همچنان به تداوم جریان محموله‌ها کمک می‌کرد. تحلیلگران گلدمن ساکس گفتند: «افزایش عبورهای مخفیانه توسط کشتی‌های مخصوص و افزایش انتقال محموله‌ها از کشتی به کشتی نشان می‌دهد که تولیدکنندگان و شرکت‌های کشتیرانی خود را با درگیری در خاورمیانه وفق می‌دهند». آنها در ادامه گفتند افزایش جابه‌جایی‌های مخفیانه می‌تواند «حتی در صورت طولانی‌ترشدن تنش‌ها در خاورمیانه، از افزایش قیمت نفت خام بکاهد». هرچند برخی فعالان بازار نفت می‌گویند که ریسک انتقال نفت در تنگه هرمز همچنان بالاست. در همین زمینه، مدیرعامل بزرگ‌ترین پالایشگاه نفت اروپا با بیان اینکه نسبت به چشم‌انداز قیمت نفت خام بدبین است، گفته است بخشی از این بدبینی را ناشی از خروج بی‌سروصدای نفت از تنگه هرمز می‌داند. گذشته از گزارش‌هایی که درباره افزایش عرضه نفت از تنگه هرمز شنیده می‌شود، برخی تحلیلگران به ابعاد دیگری از ماجرای کاهشی‌شدن قیمت نفت در بازار جهانی اشاره می‌کنند. مصطفی مالکی‌تهرانی، نایب‌رئیس دوم اتاق بازرگانی ایران و چین، به «شرق» می‌گوید: حجم بالای ذخایر استراتژیک نفت چین که به حدود یک میلیارد بشکه می‌رسد، نقش مهمی در کنترل قیمت در بازار نفت داشته است و چین حالا نه‌تنها به‌عنوان بزرگ‌ترین مصرف‌کننده نفت جهان شناخته می‌شود، بلکه با مدیریت هوشمندانه ذخایر استراتژیک خود توانسته بازیگر مهمی برای اثرگذاری در بازار نفت جهان باشد. او همچنین به حملات اوکراین به پالایشگاه‌های نفت روسیه اشاره می‌کند و می‌گوید که از کار افتادن پالایشگاه‌های روسیه سبب شده است این کشور ناچار شود حدود سه میلیون بشکه نفت خام خود را که در بازار داخلی مصرف می‌کرد، به بازار جهانی عرضه کند و همین افزایش عرضه توانسته است بخشی از کمبود عرضه در خلیج فارس را جبران کند و قیمت‌ها را کاهش دهد. براساس گزارش اویل پرایس، پالایش نفت خام روسیه در جولای، در پی گسترش حملات پهپادی اوکراین به پالایشگاه‌ها، نفتکش‌ها، خطوط لوله و زیرساخت‌های صادراتی روسیه، به پایین‌ترین سطح خود در ۲۴ سال گذشته رسیده است. پالایشگاه‌های روسیه در جولای حدود ۳.۶ میلیون بشکه در روز نفت پالایش کردند که پایین‌ترین سطح ماهانه از ماه می ۲۰۰۲ و تقریبا یک‌سوم کمتر از میانگین فصلی است. بین سال‌های ۲۰۲۰ تا ۲۰۲۵، پالایشگاه‌های روسیه معمولا بین ۵.۳ تا ۵.۶ میلیون بشکه در روز در مدت مشابه نفت پالایش کرده‌اند. اوکراین در جولای به ۱۸ پالایشگاه روسیه حمله کرد و از رکورد ماهانه قبلی ۱۷ حمله که در ماه می ثبت شده بود، عبور کرد. اهداف شامل پالایشگاه با ظرفیت ۴۴۰ هزار بشکه در روز اومسک، بزرگ‌ترین پالایشگاه روسیه، در بیش از دوهزارو ۵۰۰ کیلومتری مرز اوکراین بود. پهپادهای اوکراینی همچنین پنج نفتکش بزرگ، پنج قطعه زیرساخت بندری و دو خط لوله را در طول ماه میلادی گذشته هدف حمله قرار دادند. بلومبرگ در ماه جولای ۳۰ حمله به زیرساخت‌های نفتی روسیه را شمارش کرد که دومین رکورد ماهانه بالا از زمان آغاز جنگ بود. نیروهای اوکراینی در نیمه اول جولای بر روی پالایشگاه‌ها متمرکز شدند و سپس در اواخر ماه، به هدف‌گرفتن نفتکش‌ها و لجستیک صادرات پرداختند. به گفته سرگئی واکولنکو از «مرکز کارنگی روسیه اوراسیا»، حمله به پالایشگاه‌ها در هفته پایانی از سرگرفته شد و سه تأسیسات بزرگ در سه روز آخر جولای و چهار مورد دیگر در آخر هفته گذشته مورد حمله قرار گرفتند. براساس گزارش اویل پرایس، هفته گذشته روسیه ممنوعیت بیشتر صادرات دیزل و بنزین را تمدید کرد تا از کمبود داخلی جلوگیری کند؛ زیرا اختلال فعالیت پالایشگاه‌ها باعث کاهش تولید سوخت شده است. کاهش پالایش همچنین تولیدکنندگان را به صادرات حجم بیشتری از نفت خام مجبور کرده است. گزارش‌ها درباره افزایش عرضه نفت در حالی است که کشورهای منطقه از اجرای پروژه‌های مربوط به کریدورهای ترانزیتی خبر می‌دهند که تنگه هرمز را دور زده و نفت و گاز را بدون نیاز به این آبراهه به سایر مناطق جهان صادر می‌کند.

منافع ملی و منفعت خاص

ادامه از صفحه اول

به‌عنوان مثال، مسئله شرکت‌های خصولتی (شبه‌دولتی) را حل کند. اساسا بخشی از این مسئله را دولت‌ها ایجاد کرده‌اند و کسی جز خودشان هم نمی‌تواند آن را حل کند. این شرکت‌ها از بودجه کشور و منابع متعلق به آحاد جامعه تأمین مالی می‌شوند و فعالیت می‌کنند، ولی دقیقا به ضرر منافع عمومی عمل می‌کنند. دولت یک اصل اساسی را باید دنبال کند و خط قرمز هر نوع فعالیت باشد و آن منافع ملی است. منافع ملی باید قانون اساسی بین دولت و جامعه باشد. هر اقدام و برنامه‌ای باید در خدمت منافع ملی باشد. تأمین اجتماعی، بیمه‌ها و بانک‌ها شرکت‌های بسیاری تأسیس کرده‌اند که گاهی انحصار بازار را هم در اختیار دارند و با منابع مردم تأمین می‌شوند؛ اما چرا دولت اجازه می‌هد این شرکت‌ها در خدمت منافع گروه و اقلیتی خاص باشند؟ دولتی می‌تواند بر چنین وضعیتی غلبه کند که سه ویژگی شجاعت، عقلانیت و صداقت داشته باشد. دولت یعنی تصمیم و برای تصمیم‌گیری ترکیبی از هر سه ویژگی لازم است. جامعه، رئیس‌جمهور را تا حدی انتخاب می‌کند و رئیس‌جمهور هم تیمی را به‌عنوان هیئت دولت برای سامان‌بخشی به مسائل انتخاب می‌کند؛ اما دولت نمی‌تواند هر وقت مطالبه یا نقدی از سوی جامعه مطرح می‌شود، اعلام کند همین است و هرکسی بهتر می‌تواند انجام دهد، بیاید. دولت سازوکارهای بسیاری در اختیار دارد برای اینکه بداند چه کسی شایسته است و چه کسی بهتر مسائل را انجام می‌دهد. کار اصلی دولت، این است که مراقبت کند منافع خصوصی و گروهی بر ضد منافع ملی نباشد؛ اما به نظر نمی‌رسد دستاورد درخور توجهی ایجاد شده باشد.

هفته دولت را گرامی می‌داریم
دولت پای کار مردم
روایت دفاع و سازندگی
هفته دولت ۱۴۰۵
یک سال نقش‌آفرینی بانک رفاه کارگران برای رفاه مردم و توسعه ایران
از معیشت خانوار تا رونق تولید؛ از حمایت اجتماعی تا تأمین مالی اقتصاد
پرداخت تسهیلات قرض‌الحسنه با هدف حمایت از نیازهای معیشتی و اجتماعی مردم
پرداخت تعداد ۴۶۴,۸۸۳ فقره تسهیلات قرض‌الحسنه در تمامی سرفصل‌ها به مبلغ ۵۱۷,۴۷۷ میلیارد ریال
پرداخت تعداد ۳۰۲ فقره تسهیلات قرض‌الحسنه خرد (غیرتجاری) در قالب طرح افق ۲ به مبلغ ۲۰۱ میلیارد ریال
همراهی با جوانان برای آغاز زندگی مشترک و تحکیم بنیان خانواده
پرداخت تعداد ۳۳,۵۲۳ فقره تسهیلات قرض‌الحسنه ازدواج و تهیه جهیزیه به مبلغ ۱۱۱,۸۵۲ میلیارد ریال و ۲۶,۱۰۵ فقره تسهیلات قرض‌الحسنه فرزندآوری به مبلغ ۲۳,۹۰۵ میلیارد ریال با هدف حمایت از خانواده و سرمایه‌گذاری برای آینده
همراهی با بازنشستگان؛ همراهی با جامعه
پرداخت تعداد ۲۶۵,۸۷۸ فقره تسهیلات قرض‌الحسنه ضروری مستمری‌بگیران به صورت حضوری و گروهی (غیرحضوری) به مبلغ ۱۳۶,۹۵۷ میلیارد ریال با هدف پشتیبانی از معیشت مستمری‌بگیران سازمان تأمین اجتماعی
پرداخت تعداد ۲۴۵,۹۷۴ فقره تسهیلات گروهی و غیرحضوری به مبلغ ۱۲۷,۳۰۵ میلیارد ریال با هدف تسهیل دسترسی بازنشستگان به خدمات و تسهیلات بانکی
پشتیبانی از تولید؛ تأمین مالی بنگاه‌های کوچک و متوسط
پرداخت تعداد ۲,۸۶۱ فقره تسهیلات بنگاه‌های کوچک و متوسط با هدف حمایت از سرمایه در گردش و تداوم فعالیت بنگاه‌های اقتصادی از نیمسال دوم سال ۱۴۰۴ تا پایان خرداد ۱۴۰۵ به مبلغ ۱۱,۵۰۲,۹۱۰ میلیارد ریال
حمایت از اشتغال؛ تبدیل منابع مالی به فرصت اقتصادی
پرداخت تعداد ۸,۶۴۰ فقره تسهیلات اشتغال‌زایی و مشاغل خانگی در راستای حمایت از اشتغال و توانمندسازی اقتصادی خانوارها به مبلغ ۱۳,۰۸۷ میلیارد ریال
پرداخت تعداد ۴,۴۲۲ فقره تسهیلات اشتغال‌زایی مرتبط با طرح‌های مددجویی بهزیستی با هدف حمایت از ایجاد فرصت‌های اقتصادی برای گروه‌های هدف و اقشار تحت حمایت به مبلغ ۸,۱۳۹ میلیارد ریال
مسکن؛ حمایت از ساختن آینده
پرداخت تعداد ۲۹,۱۷۰ فقره تسهیلات مسکن روستایی در راستای حمایت از بهسازی و توسعه مسکن در مناطق روستایی به مبلغ ۳۲,۶۴۵ میلیارد ریال
پرداخت تعداد ۶۲,۰۲۲ فقره تسهیلات موضوع ماده ۴ قانون جهش تولید مسکن به منظور همراهی با سیاست‌های ملی تأمین مسکن به مبلغ ۱۰۸,۳۷۶ میلیارد ریال
پرداخت تعداد ۷۳۸ فقره تسهیلات نهضت ملی مسکن به مبلغ ۹,۲۸۲ میلیارد ریال
پرداخت تعداد ۱,۵۰۳ فقره تسهیلات مسکن خانواده شهدا و آزادگان به مبلغ ۷,۱۱۸ میلیارد ریال
بانک رفاه؛ بخشی از زنجیره رفاه اجتماعی
صدور تعداد ۵۱ هزار و ۶۶۹ فقره کارت رفاهی متصل به اوراق گام به مبلغ ۱۱۴,۳۷۸ میلیارد ریال به منظور حمایت از تولیدکنندگان داخلی، افزایش قدرت خرید خانوارها و توسعه همکاری های متقابل با بنگاه های خدماتی، شرکت‌های تولیدی، توزیعی، هایپرکالاها و زنجیره تأمین آن ها در داخل کشور
پرداخت مبلغ ۹,۱۰۰,۳۵۹ میلیارد ریال در قالب پرداخت مستمری ماهانه به مستمری‌بگیران سازمان تأمین اجتماعی در چارچوب نقش بانک رفاه در زنجیره خدمات مالی و رفاهی سازمان تأمین اجتماعی از نیم سال دوم سال ۱۴۰۴ تا کنون
تسهیل فعالیت اقتصادی؛ فراتر از تسهیلات
صدور تعداد ۴۱,۷۴۸ فقره ضمانت‌نامه ریالی به مبلغ ۱,۶۳۴,۷۹۴ میلیارد ریال و گشایش تعداد ۴,۴۲۹ فقره اعتبار اسنادی ریالی به مبلغ ۱,۳۰۱,۴۱۵ میلیارد ریال در راستای همراهی و حمایت از کسب‌وکارها در مسیر فعالیت اقتصادی
تنوع راهکارهای تأمین مالی در قالب طرح‌های مختلف
پرداخت تعداد ۳۰۹,۶۷۷ فقره تسهیلات در قالب طرح‌های متنوع بانک از جمله: افق، ارمغان، جهش مهر سلامت، امید رفاه، رفاه کالا/حرکت، کرامت، گامی نو، مهر رفاه، سرمایه‌یار، تجهیز سلامت رفاه، فارما، فراز، ربیع رفاه و... به مبلغ ۸۱۲,۰۲۵ میلیارد ریال
بانک رفاه کارگران
REFAH KARGARAN BANK
روابط عمومی بانک رفاه کارگران
مرکز پاسخگویی (فراد): ۸۵۲۵-۰۲۱
refah-bank.ir
bankrefahkargaran